Security Horazions

67

Vol. 18
Summer 2025
P.P: 69- 104

Research Paper

Received:
2024-12-17
Revised:
2025-03-02
Accepted:
2025-05-23
Published:
2025-05-23

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250

Defense-Security Consequences of Normalizing Relations between the Zionist Regime and Saudi Arabia on the Islamic Republic of Iran

Abbas Asadi [1] Alireza Rahimi [2] Mehdi Rouhi [3]

Abstract

The Southwest Asia region has undergone significant geopolitical developments in recent years. Some Arab countries, influenced by various factors such as Arab nationalism, domestic and regional crises, the balance of power in the region, identity issues, the Islamic Revolution in Iran, the formation of Arab unrest since 2011, and finally the Iran nuclear agreement with the P5+1 countries, known as the JCPOA, have always had different positions against the Zionist regime, which stem from their national interests. Given the fundamental conflict that has existed between the Arabs and Israel since the establishment of the Zionist regime in 1948, the normalization of their relations has gained importance since the Egyptian peace treaty with the Zionist regime in 1978. This research, which uses a descriptive-analytical and library method, has examined and discovered some of the consequences of the normalization of the Zionist regime and Saudi Arabia. The main question of the research is what are the factors affecting the normalization of the Zionist regime's relations with Saudi Arabia and what are the defense-security consequences for the Islamic Republic of Iran? The research findings show that the presence and influence of the Zionist regime in Saudi Arabia is in line with the realization of the goals of this regime and based on the peripheral doctrine in the region, which can have serious security consequences for the Islamic Republic of Iran

Keywords: Saudi Arabia, Zionist regime, Islamic Republic of Iran. Normalization of relations

1. Corresponding Author: Master's degree in Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
asadas809@gmail.com
2. Assistant Professor of International Relations, Imam Hossein University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor of International Relations, Imam Hossein University, Tehran, Iran

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.3.5

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**
This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

سال هجدهم
تابستان ۱۴۰۴
صص: ۱۰۴-۶۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵

پیامدهای دفاعی – امنیتی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران

عباس اسدی [۱] | علیرضا رحیمی [۲] | مهدی روحی [۳]

چکیده

منطقه جنوب غرب آسیا طی سالیان اخیر دستخوش تحولات مهم ژئوپلیتیکی بوده است. برخی کشورهای عربی تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون ناسیونالیسم عربی، بحران های داخلی و منطقه ای، توازن قوا در منطقه، مسائل هویتی، وقوع انقلاب اسلامی ایران، شکل گیری ناآرامی های عربی از سال ۲۰۱۱ و در نهایت توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ موسوم به برجام، همواره مواضع مختلفی مقابل رژیم صهیونیستی داشته‌اند که نشئت گرفته از منافع ملی آن هاست. با توجه به مناقشه بنیادینی که از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میان اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته است، عادی‌سازی روابط آن ها، از همان پیمان صلح مصر با رژیم صهیونیستی در سال، ۱۹۷۸ اهمیت یافته است. این پژوهش با روش ترکیبی یعنی توصیفی- تحلیلی و کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل نرم‌افزاری به بررسی و کشف برخی از پیامدهای عادی‌سازی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی پرداخته است .سؤال اصلی پژوهش این است که عوامل مؤثر بر تحقق عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی چیست؟ و چه پیامدهای دفاعی- امنیتی بر ج.ا.ایران دارد؟ یافته های تحقیق که از منابع کتابخانه ای و همچنین تحقیق از خبرگان به‌وسیله پرسشنامه تهیه شده نشان می دهد، حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در کشور عربستان سعودی در راستای تحقق اهداف این رژیم و بر اساس دکترین پیرامونی بن گورین در منطقه می باشد که می تواند پیامدهای دفاعی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران.عادی سازی روابط

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران
asadas809@gmail.com
۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران
۳. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.3.5

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

رابطه کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، از زمان تأسیس دولت یهود در سال ۱۹۴۸ به چهار دوره تقسیم می شود که دو طرف در هر دوره با توجه به مقتضیات سیاست خارجی خود و با توجه به منافع ملی خود، سیاست های مختلفی را اتخاذ کرده اند: الف) از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۸ کشورهای عربی به مقابله نظامی با رژیم صهیونیستی پرداختند و رژیم نیز متقابلاً به مقابله نظامی با آن ها می پرداخت. ب)از سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۱۱ برخی کشورهای عربی، تحت تأثیر فعالیت های رژیم صهیونیستی، وجود دولت یهود در منطقه خاورمیانه را به عنوان واقعیت موجود قبول کردند و همچنان از تشکیل کشور اسلامی فلسطین حمایت می کردند. ج) از سال ۲۰۱۱ کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی شروع به برقراری و گسترش روابط غیررسمی با یکدیگر کردند. د) از سال ۲۰۲۰ کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی ، تحت حمایت آمریکای دوران دونالد ترامپ، شروع به برقراری روابط رسمی و دیپلماتیک و به عبارتی عادی کردن روابط با یکدیگر کردند. برقراری و عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، با توجه به این که تأثیراتی را در درون مرزهای ملی و ساختار داخلی کشورهای خاورمیانه بر جای خواهد گذاشت و همچنین منطقه خاورمیانه را دچار تحولاتی خواهد کرد، موضوع مهمی است که ضرورتِ پرداختن به آن بیش از پیش احساس می شود. با توجه به پیامدهای این عادی سازی، به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران، اهمیت پرداختن به این مسئله دوچندان می شود. مقاله پیشِرو با توجه به اهمیت موضوع قصد دارد به این مسئله بپردازد. با توجه به این که عنصر منافع ملی بیش از هر چیزدر این عادی سازی رخ می نماید، نظریه نوواقع گرایی می تواند روند عادی سازی برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را تبیین کند مسئله تحقیق این است که عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت؟ در راستای رسیدن به نتیجه تحقیق بعد از طرح پرسشنامه‌ها و تعیین روایی و پایایی آن‌ها، و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از پاسخگویان که شامل ۳۵ نفر که در این موضوع خبره و صاحب نظر بودند و با استفاده از نرم افزار SPSS داده‌های موجود در پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. پرسشنامه در دو بخش مجزا پیامد های دفاعی و پیامد های امنیتی به‌طور جداگانه مورد

بررسی قرار گرفت که نتایج و یافته‌های تحقیق به‌طـور جداگانـه و دسـته‌بنـدی‌شـده در پایـان تحقیق امده است.

مبانی نظری

-امنیت

امنیت در لغت به معنای بودن ایمنی و بی ترسی است و این ویژگی در شـرایطی حاصـل مـی شود که تهدید و خطری وجود نداشته باشد. بنابراین اگر خطری مجموعه افراد ملت را تهدیـد کند در واقع امنیت ملی در معرض خطر قرار گرفته است با وجود پیشینه طولانی در امنیـت در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر چه از بعد داخلی و چه از بعد خارجی هالـه ای از ابهـام آن را فرا گرفته است که بیشتر ناشی از متحول بودن محیط سیستمی امنیـت و وجـود گفتمـان هـا و نگرش های گوناگون پیرامون آن است. به نظر می رسد بهترین روش بـرای تعریـف امنیـت و عملیاتی کردن آن اشاره به دلالت های عینی و ذهنـی مفهـوم و تجزیـه آن بـه عناصـر تشـکیل دهنده خود است.در این راستا می توان دو گونـه دلالـت مفهـومی بـرای امنیـت مطـرح کـرد. نخست دلالت عینی است که حکایت از نبود خطر بـر ضـد ارزش هـای حیـاتی واحـد مـورد نظردارد. در اینجا بودن یا نبودن خطر به شکل واقعی مطرح است ولی دومین دلالت مفهـومی، دلالت ذهنی است که در حقیقت حاکی از بودن یا نبودن ترس و وحشت از حمله به ارزشهای اساسی است. در حقیقت در این وضع ممکن است در واقعیت خطری بر ضد ارزش ها وجـود نداشته باشد، اما در ذهن بازیگران چنین خطری تصور گردد یـا بـرعکس خطـر وجـود داشـته باشد ولی تصور بر نبود خطر باشد. بر این پایه می توان مفهوم امنیت را بر پایه دلالت های چه ذهنی و چه عینی به بخش های چهارگانه یعنی ارزشهای حیاتی و اساسـی واحـد مـورد نظـر، خطرها، عوامل خطر و نیز آسیب پذیری های واحدها در برابر خطرات از یکدیگرجدا کرد. بـه بیان دیگر مفهوم امنیت در برگیرنده تمام اجزای شمرده شده است.

(Ghassemi, 2007:13-۱۴)

- ائتلاف سازی

منظور از ائتلاف، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یـک یـا چنـد هـدف مشترک است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهمترین راهبردهای حوزه سیاست خـارجی اسـت

و بر این مبنا قرار دارد که دولت ها صرفاً برای پیروزی(کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می نمایند. ائتلاف سازی یکی از مهمترین راهبردهای حوزه سیاست خارجی است. ائتلاف سازی فرایندی است که توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل صورت صورت می گیرد. در نظام بین الملل منظور از ائتلاف سازی، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف سازی بین المللی زمانی شکل می گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر با هم به همکاری بپردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری با هم یک موافقت نامه رسمی امضاء کنند یا این که بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند. (Kiakajouri, K & Eslami, A 2022: 139-146)

هر گونه نزدیکی و ارتباط گیری و توسعه روابط ایران با کشورهای غربی و آمریکا می تواند ائتلاف سازی عربستان سعودی را برجسته تر کند. چراکه توافقات ایران با دیگران احتمالاً موجب فرادستی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

-عادی سازی

«عادی سازی»که در زبان انگلیسی " Normalization " و در زبان عربی « التطبیع» گفته می شود بعنوان یک مفهوم سیاسی نوین در علم سیاست بکار گرفته شده است که البته حاصل تجارب و تلاش های نوع بشر از نخستین گام های تشکیل جوامع مدنی تا ظهور و بروز و استقرار دولت در معنای حاکمیتی و قانونی جدید می باشد؛ از این رو چون این مفهوم همچون یک رفتار و به تبع طبیعت و شکل و عمق مسائل و مشکلات اجتماعی به گونه های مختلفی بروز نمود و برای هر نوعی از انواع ارتباطات اجتماعی به همان شکل ظهور کرد و تعریف گردید لذا در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و تاریخی به آن بعنوان یک رفتار اجتماعی و سیاسی نگاه شد. شاید بتوان اظهار داشت که مفهوم عادی سازی، نخستین بار در واژگان صهیونیست ها بکار گرفته شد آنجایی که این مفهوم را به یهودیان در تبعید همراه نمودند بگونه ای که ادعا کردند صهیونیسم یک جنبش و حرکت سیاسی است که قصد دارد تا یهودیان را عادی سازی نماید یعنی اینکه به جای وجود گروه های قومی و قبیله ای در بین

ملل و جوامع دیگر به طبیعت آن ها یعنی گرد هم آمدن و تبدیل شدن به امت واحده تبدیل شوند؛ از اینرو، مفهوم «عادی سازی» مورد نظر ما می تواند حامل دو وجه و معنا باشد یکی مفهوم داخلی عادی سازی که همانا عادی سازی روابط یهودیان با یکدیگر و تشکیل امت واحده مورد ادعای آنان و دیگری مربوط به روابط رژیم صهیونیستی با دیگران و سایرین می باشد. ممکن است که اغلب بر این امر اتفاق نظر داشته باشند که در تعریف عمومی و رایج، عادی سازی همانا برگرداندن امور به حالت طبیعی است و از نظر سیاسی نیز منتقل شدن روابط از حالت نزاع و درگیری و رودررویی به حالت صلح و استقرار می باشد، اما از نظر کاربردی، امروزه این واژه و اصطلاح بیشتر به روابط فی ما بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی اطلاق می گردد که البته نوع و میزان آن بنا به بازه های زمانی مختلف و کشورهای متعدد متفاوت بوده و هست.(Al-Ma'shani, A. b. M,2020)

-نوواقع گرایی

نوواقع گرایی عمیق ترین و دقیق ترین نقدها را بر پروژه های اصلاح طلبانه در سیاست بین الملل وارد سلاخته است. نظریه واقع گرایی پس از جنگ جهانی دوم به عنوان اندیشه مسلط در روابط بین الملل جایگاه ویژه ای یافت و توجه پژوهشگران روابط بین الملل را به خود معطوف داشت.در سال ۱۹۷۹ کنت والتز[1] نظریه پرداز مشهور واقع گرا با نگارش کتاب نظریه سیاست بین الملل، واقع گرایی را از انزوا خارج ساخته و نظریه نوواقع گرایی یا واقع گرایی ساختاری را عرضه کرد. (Mohammadkhani, A, 2009: 83-84)

نوواقع گرایی از رویکردهایی است که برای مدت طولانی به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین الملل مورد توجه قرار گرفته و مفروضات آن در شکل دادن به سیاست و نظام بین الملل نقش مهمی داشته است. والنز درصدد ارائه یک نظریه علمی بود که قادر به تبیین روابط بین الملل باشد. نظریه ای متشکل از گزاره های تجربی مستند قابل وارسی در مورد روابط بین الملل. از این رو، نوواقع گرایی در مقایسه با واقع گرایی کلاسیک اثبات گراتر و علمی تر است. نئورئالیست ها از لحاظ هستی شناسی دارای تحلیل کلان از دید نظام بین الملل هستند. از لحاظ معرفت شناسی؛ عینی گرا هستند و به لحاظ روش شناسی؛ پوزیتیویست و رفتارگرا

1 . Kenneth Waltz

می باشند. نوواقع گرایی بر اهمیت ساختار بین الملل و نقش آن به عنوان تعیین کننده اصلی رفتار دولت تأکید می کند. نوواقع گرایی سطح تحلیل را نظام بین الملل قرار می دهد و معتقد است که ساختار نظام بین الملل نوع و قواعد بازی را مشخص می کند. در این راستا آنچه که در درون دولت ها می گذرد اهمیت نداشته، نمی توان بر ائدئولوژی و رژیم حاکم تأکید داشت.(Valizadeh et al, 2020: ۱۰۱-۱۰۸) نوواقع گرایی به دولت ها به عنوان بازیگرانی می نگرد که در چهارچوب عقلانیت رفتار می کنند. عقلانیت نیز بر آن دلالت دارد که کشورها از میان گزینه های موجود و ممکن بر اساس تحلیل هزینه-فایده دست به انتخاب و اقدام می زنند. آنها گزینه ای را انتخاب می کنند که دارای بیشترین فایده و کمترین هزینه باشد.(Dehghani Firoozabadi, S. J,2015: 193)

نوواقع گرایان باور دارند که همواره دولت ها با یکدیگر همکاری می کنند تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند و استقلال خود را حفظ نمایند.(Jackson and Sorensen، 2013: 49)

متفکران نوواقعگرایی معتقدند که مبارزه برای قدرت، اولین گام برای پانهادن در عرصه ای است که هر یک از کشورها درصددند قویترین بازیگر نظام بین الملل باشند، بدین جهت مترصد افزایش قدرت در برابر دیگر رقبا هستند. چهار فرض: وجود آنارشی در سیستم بین الملل، عدم اطمینان دولت ها از مقاصد یکدیگر، تلاش برای حفظ بقا و توانایی تهاجمی، جملگی توجیه رفتارهای رقابت آمیز در راستای کسب قدرت دولت ها می باشد. نتیجه اینکه سیستم مزبور دولت ها را تشویق می کند تا مترصد فرصت هایی باشند تا قدرت خود را در برابر دیگران به حداکثر برسانند. (Zarei, G., et al, ۲۰۲۲: ۱۱)

نوواقع گرایان بر این نکته تأکید می کنند که همه دولت ها به دنبال امنیت هستند. دولت ها به پیشینه سازی قدرت مبادرت و هر آنچه در توان داشته باشند انجام خواهند داد تا از امنیت خود حراست نمایند. (Maleki, & Mohammadzadeh Ebrahimi,2020: ۵۶)

پیشینهٔ پژوهش

پیرامون موضوع روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ونیز چالش های این رابطه بـرای جمهوری اسلامی ایران؛ ازجمله تأثیرات امنیتی آن، پـژوهش هـایی بـا تفـاوت هـای بسـیاری

صورت گرفته است که در ادامه به مهمترین آنها که بیشترین نزدیکی را با موضوع بحث حاضر دارد،اشاره می شود.

-شاهین و دیگران(۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «واکاوی سیاست ها و تعاملات سعودی-صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران در فضای پسا تحریم» که در نشریه جستارهای سیاسی معاصر به چاپ رسیده است، با بهره گیری از نظریه سازه انگاری در راستای پاسخ به این سؤال است که فضای پسا تحریم چه تأثیری بر روابط سعودی-صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشته است ؟ و در واقع فرضیه ای که آن را به اثبات می رساند آن است که فضای پساتحریم، معادلات هویتی متخاصم و برساخته قدرت را بین ایران، عربستان و رژیم صهیونیستی را بیش از گذشته شدت بخشیده است. این مقاله از نظر سیاست ها و تعاملات عربستان و رژیم صهیونیستی با تحقیق حاضر شباهت داشته اما از نظر بررسی پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی که در این مقاله حاضر به آن پرداخته شده است تفاوت بسیار زیادی دارد.

-دوست محمدی و رجبی (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، که در فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است، با اشاره به تحولات صورت گرفته در روابط عربستان سعودی در سطوح مختلف داخلی منطقه ای و بین الملل به تهدیدات قابل تصور در این تغییر رویکرد توجه می نماید. نویسنده با توجه به گوناگونی ماهیت تهدیدها و اهمیت تهدیدهای امنیتی در سرنوشت یک کشور به واکاوی ماهیت تهدیدهای برخواسته از تحولات اخیر عربستان سعودی برای جمهوری اسلامی ایران می پردازد. نویسندگان با بهره گیری از نظریات مکتب کپنهاک به عنوان رویکرد پژوهشی مقاله، این فرضیه را به اثبات می رسانند که تحولات عربستان سعودی، بیانگر تلاش این کشور برای بر عهده گرفتن کارکردی محوری با هدف مهار منطقه ای جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا است که این کارکرد به ویژه در دوران اوایل به قدرت رسیدن بن سلمان به ولیعهدی و نگرش های ضد ایرانی وی تشدید شده است و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تهدید می کند. لذا بدلیل اینکه در این مقاله، عادی سازی روابط

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار نگرفته و تغییر تحولات عربستان را هدف آمریکا قلمداد کرده است تفاوت آشکار و فراوانی با پژوهش حاضر دارد.

–ملکی و محمدزاده ابراهیمی (۱۳۹۹)، در مقاله ای تحت عنوان «چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب » که در فصلنامه مطالعات بین المللی به چاپ رسیده است، با اشاره به مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین که ریشه های آن دست کم به بیش از یک قرن پیش باز می گردد و این مناقشه را بغرنج ترین بحران های بین المللی قلمداد می کنند که دهه ها منطقه حساس خاورمیانه را درگیر تنش ساخته است.این مقاله با استفاده نظریه نوواقعگرایی و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه ای به واکاوی مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین پرداخته است و نویسندگان مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چرا رژیم صهیونیستی و اعراب در مسیر عادی سازی روابط با یکدیگر قرار گرفته اند؟ در پاسخ سؤال در مقاله آمده است که نگرانی های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عرب و همین طور پیشبُرد بهتر منافع ملی را می توان به عنوان نقطه ثقل این سؤال عنوان نمود که موجبات اعتلای روابط رژیم صهیونیستی واعراب را فراهم آورده است. در این مقاله علاوه بر بررسی دیدگاههای متفاوت راجع به امنیت، نقش برجسته آمریکا در این مناقشه نیز به تصویر کشیده شده است. در این مقاله نیز بصورت کلی به روابط اعراب با رژیم صهیونیستی پرداخته شده است و تفاوت آن با این پژوهش در آن است که بطور خاص به پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی پرداخته نشده است.

– واعظ و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله ای تحت عنوان « بررسی وضعیت و جایگاه مساله فلسطین در عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم اسرائیل» که در فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی به چاپ رسیده است، بطور خاص به نقش مسئله فلسطین در عادی سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی می پردازد. این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی، و تا حدودی نیز تاریخی است جمع آوری شده است. به این سؤال پاسخ می دهد که مسأله فلسطین درروند عادی سازی این روابط میان اعراب و رژیم صهیونیستی، دارای چه وضعیت و جایگاهی است؟ و هدف مقاله آن است که در روند عادی سازی روابط، به طور خاص بر

موضوع فلسطین متمرکز شود، چرا کـه ایـن مسـأله بـرای جمهـوری اسـلامی، یکـی از نقـاط ایدئولوژیک است که در تضاد با وجود رژیم صهیونیسـتی ، بـا امنیـت آن گـره خـورده اسـت. نتیجه کلی مقاله نشان می دهد اعراب متحد عربستان در روند عادی سازی، جایگاه بالایی برای آرمان فلسطین قائل نیستند؛ اما سعودی که ادعـای رهبـری مسـلمانان را دارد، در شـعار، حـل مسأله فلسطین را یکی از شروط عادی سازی کامل روابط خود با رژیم صهیونیستی می داند، با این حال چنانچه امنیت آن بیشتر تهدید شود(از طرف ایران و...)، عربستان این شرط را نیز رها خواهد کرد. نویسندگان این مقاله به نقش و جایگاه قدرتمند ج.ا.ا در منطقه و تأثیر آن برروابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و سپس پیامدهای آن نپرداخته اند. در تفاوت باید گفـت که از نظر بررسی پیامدهای دفاعی امنیتی عادی سازی روابط دو رژیم بـر امنیـت ج.ا.ا تفـاوت بسیار دارد.

-دهقانی فیروزآبادی و دیگران (۱۴۰۰)،درمقاله ای تحت عنوان«عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران» کـه در فصـلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی منتشر شده است، به روابط کشورهای حوزه خلیج فارس با رژیـم صهیونیستی پرداخته و بطور جداگانه به روابط عربسـتان و رژیـم صهیونیسـتی پرداختـه نشـده است. این مقاله که با روش توصیفی- تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای و منابع مندرج در پایگاههای اینترنتی معتبر در تلاش است؛ متغیرهای تاثیرگذار بر ایجاد مسـیر عـادی سـازی روابط را کشف کند. نویسندگان به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که عوامل مؤثر در ایجـاد و تداوم روند عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی حوزه خلـیج فـارس چیست؟ و تکامل این روند چه پیامدهایی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ فرضیه آن اسـت که مداخلات بین المللی در رقابت درون منطقه ای و تحولات داخلی کشورها سه عامـل مـؤثر در روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است.یافته های مقاله نشان می دهـد کـه عربستان سعودی در ارتباط با رژیم صهیونیستی بدنبال کاهش آسیب پذیری خود در منطقه می باشد. در این مقاله بصورت کلی به روابط اعراب با رژیم صهیونیسـتی پرداختـه شـده اسـت و تفاوت آن با این پژوهش در آن است که بطور خاص به پیامدهای دفاعی امنیتی عـادی سـازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی اشاره ای نگردیده است.

روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی

علاوه بر تحلیل عوامل و دلایل نزدیکی و اختلاف دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، باید به زمینه های همکاری این دو کشور با یکدیگر نیز اشاره نمود. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در برخی حوزه ها و زمینه ها دارای روابط غیر رسمی مخفیانه و مقطعی با همدیگر بودند روابط محرمانه بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از سال های دور وجود داشته است. اگرچه دو کشور در پایتخت های یکدیگر دارای سفارت خانه و نهادهای رسمی دیپلماتیک نیستند اما عدم وجود روابط رسمی دیپلماتیک نباید پهنای فقدان ارتباطات غیر رسمی و کانالهای متعدد ارتباطی بین دو کشور تلقی گردد. برای مثال طی سال های اخیر، بسیاری از شرکت های امنیتی رژیم صهیونیستی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در مسائل امنیتی مشورت هایی را ارائه می دهند حتی شرکت های امنیتی رژیم صهیونیستی در حال آموزش نیروهای ویژه این کشورها هستند و سیستم های بسیار پیشرفته امنیتی را در اختیار آنها قرار داده اند. این امر سوای دیدارهای سری و مستمر با مقامات عالی رتبه در این کشورها است. همچنین علاوه بر روابط سیاسی و دیپلماتیک غیر رسمی بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی باید به وجود روابط تجاری و اقتصادی به ویژه در بخش انرژی بین دو کشور نیز اشاره نمود که در سال های اخیر رو به افزایش بوده است. در ادامه تلاش عربستان سعودی برای ضربه زدن به ایران، این کشور تلاش داشته است تا از طریق عرضه زیاد نفت و به تبع آن کاهش قیمت این کالا در بازار جهانی اقتصاد ایران را مورد هدف قرار دهد. باید اذعان کرد که برتری عربستان سعودی در زمینه تولید و ذخیره نفت به آن فرصت تسلط در عرصه تولید کلی نفت اوپک و همچنین حاکمیت در زمینه تعیین میانگین قیمت جهانی نفت را داده است. عربستان سعودی از این دو شاخص مهم در راستای پیشبرد منافع خود و علیه کشورهایی چون ایران استفاده می کند که طبیعتاً این رویکرد و سیاست مورد حمایت شدید رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

(Akhavan Kazemi, Narimani & Sadeghi, 2016: ۱۴۰)

یافته‌های پژوهش:

علل گرایش اعراب و رژیم صهیونیستی به عادی سازی

- احساس کسب منافع بیشتر عربستان سعودی در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی

بر اساس نظریه نوواقع گرایی، کشورها همواره به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند و همکاری میان آنها تا جایی تداوم دارد که تأمین کننده منافع آن ها باشد و در صورتی که این همکاری برخلاف مزیت های نسبی برای دولت ها باشد، از ادامه آن سر بازخواهند زد. بنابراین، اتحادها و ائتلاف ها مسائلی موقت هستند که بر اساس منافع ملی دولت-ملت ها شکل می گیرند. این اصل در مورد روابط به وجودآمده بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی نیز صادق است. این دولت ها به دنبال تأمین منافع ملی خود با یکدیگر رابطه برقرار می کنند. از دید کشورهای عربی خاورمیانه، رژیم صهیونیستی به لحاظ اقتصادی و نظامی قوی است و توانایی دفاع از منافع حیاتی منطقه را دارد که این مسئله خود عاملی برای شکوفایی روابط اعراب و رژیم در خاورمیانه شده است؛ لذا روابط به وجودآمده میان آن ها از روی مصلحت است. در حقیقت، مجموعه ای از علل در سه سطح بین المللی، منطقه ای و داخلی به گرایش برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با یکدیگرمنجر می شود .(Dost Mohammadi & Rajabi, 2018: 91)

با تحقق عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، ممکن است مجموعه ای از منافع سه بازیگر(عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا) را به امضای توافق عادی سازی روابط سوق دهد. برخی منافع عربستان عبارتند از:

- ارتقاء کمی و کیفی تسلیحات و تسعه توان نظامی ریاض پس از دستیابی به تسلیحات پیشرفته آمریکایی که می تواند پس از عادی سازی روابط و رفع موانع در آمریکا با صادرات تسلیحات به عربستان بدست آید.

- توافق با رژیم صهیونیستی با دیدگاه عربستان سعودی برای توسعه سرمایه گذاری ها و توسعه اقتصادی که با پایان دادن به درگیری های منطقه ای و کاهش تنش ها در منطقه بستگی دارد، سازگار است.

– عادی سازی روابط تل آویو–ریاض، روابط عربستان و ایالات متحده را نیز بهبود می بخشد و تعهدات آمریکا به امنیت ملی عربستان را افزایش می دهد. (Hosseini, 2023: 03)

- **بیداری اسلامی**

با تحولات بهار عربی(بیداری اسلامی)در سال ۲۰۱۱ میلادی و سرنگونی متحدان مهم عربستان سعودی، نگرانی های امنیتی این کشور افزایش یافت؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران به دلیل دارا بودن ایدئولوژی انقلابی و اتقاء توانمندی نظامی توانست نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. تحولات سیاسی اخیر در بسیاری از کشورهای عربی که به «بیداری اسلامی» یا «بهار عربی» معروف شده است، از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد، عربستان و رژیم صهیونیستی را به گونه ای استراتژیک و غیرمستقیم با یکدیگر همراه کرده است و هر دو کشور آن تحولات را با نگرانی و بدبینی می نگرند. امنیت عربستان سعودی به شدت متأثر از تحولات بین المللی بوده و هست. این موضوع را می توان به وضوح در رویدادهایی مانند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بیداری اسلامی، توافق نامه برجام، بحران سوریه و قدرت یابی شیعیان در عراق (که به رفتارهای پرخاش جویانه و نگاه جدی تر به قدرت های فرامنطقه ای در سیاست خارجی عربستان سعودی منجر بود) مشاهده کرد. (Moradi & Mansouri, 2024: ۱۰۴–۱۱۷)

- **حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی**

عربستان و رژیم صهیونیستی طرفدار برخورد تهاجمی آمریکا با ایران و تغییر حکومت هستند. لیکن از آنجا که این امر به راحتی امکان پذیر نیست، با کمک های آمریکا به دنبال تقویت جبهه ضد ایرانی در منطقه برای جلوگیری از نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا همکاری این سه بازیگر با هم می تواند در آینده تعادل و توازن قدرت منطقه ای را در منطقه به زیان ایران تغییر دهد. بویژه اینکه اگر زمینه های عادی سازی تعداد بیشتری از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را فراهم کند. (Abbasi & Hamidfar, 2020: 21) در خصوص حمایت بی چون و چرای آمریکا از رژیم صهیونیستی، ارزش مورد انتظار برای آمریکا حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی در عین داشتن رابطه مناسب با دیگر کشورهای عربی و منطقه است. با احتمال خوش بینانه، وقوع آن ممکن است از طریق مذاکرات صلح و سازش بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی با میانجی گری آمریکا دنبال و شود.

(Khani & Sadeghi, 2014: 155-156)

- **نقش لابی یهودی در پیگیری عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی**

طبیعتاً در روند پیگیری عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، نقش لابی یهودی نیز بسیار پر رنگ است به ویژه لابی قدرتمند آمریکا که اغلب از یهودیان ذی نفوذ هستند برای خریدن مشروعیت نقش آفرینی می کنند و با بسط نفوذ منطقه ای ایران، که عربستان سعودی آن را سیاست تهاجمی تفسیر می کند در قالب ائتلاف سازی در چارچوب اتحاد برای دفاع، عربستان را به همسویی با رژیم صهیونیستی سوق می دهند. در این صورت منطقه درگیر ائتلاف سازی هایی می شود که نوک پیکان مواجهه آن جمهوری اسلامی ایران است و علی رغم امضای توافق میان ایران و عربستان، عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی تأثیرات عمیق بر منطقه و ایران خواهد داشت.

(Rouhi, & Hajizadeh2023: 193)

- **گروه های اسلامی**

عربستان سعودی همیشه از گروه ها و جریان محور مقاومت ترس داشته است چرا موقعیت آنها را در منطقه متزلزل می کند. از آنجایی گروههای حزب الله لبنان، حماس و اخوان المسلمین مصر همواره روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند و ایران بعنوان رقیب عربستان در منطقه به شمار می رود، لذا عربستان سعودی سیاست تضعیف گروه های مزبور و مقابله با با ایران را دنبال می کند. رژیم صهیونیستی نیز همسو با سیاست های عربستان می باشد چرا که این رژیم هم سیاست تضعیف محور مقاومت و جلوگیری از نفوذ ایران در لبنان و فلسطین را دنبال می کند. (Rostami & Tara2018: 124)

- **تغییر موازنهٔ قدرت و ساختار امنیتی منطقه**

از جنبه های قابل توجه نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی تغییر در موازنه قدرت منطقه ای است. همکاری ایران با کشورها و گروههایی در منطقه از جمله عراق، حزب الله، حماس، یمن و گسترش عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا باعث نگرانی اعراب بخصوص عربستان شده و این امر باعث واکنش کشورهای حاشیه خلیج فارس و اقدام علیه به چالش کشیدن ایران در منطقه و نزدیکی به رژیم صهیونیستی شده که این نزدیکی می تواند نظم و ساختار امنیتی منطقه را به

ضرر ایران تغییر دهد. در واقع، به رغم وجود شرکای منطقه ای ایران و تلاش برای حفظ عمق استراتژیک و نفوذ در منطقه توسط این کشور، همسویی اهداف اعراب و رژیم صهیونیستی موانع و مشکلاتی را برای ایران ایجاد کرده است. اقداماتی نظیر حمله به سپاه قدس در سوریه، از بین بردن خطوط حمایت و پشتیبانی حزب الله و معرفی آن به عنوان یک سازمان تروریستی و حتی اقدامات تنبیهی علیه برنامه موشکی ایران تا حدودی حاصل سیاست ها و لابی گری مشترک اعراب و رژیم صهیونیستی است. از سویی دیگر، حمایت آمریکا به ویژه در دوران ترامپ از اعراب و رژیم صهیونیستی سبب شده تا آنها با آزادی عمل بیشتری اقداماتی را در یمن و سوریه انجام دهند و همین مسئله به تغییرموازنه قدرت در منطقه به نفع اعراب و رژیم صهیونیستی منجر شده است و از سویی دیگر، اقدامات کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی که در گذشته انجام شده است باعث گسترش ناآرامی در منطقه شده است. رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، به ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری در آمریکا، در سطح منطقه ای و همچنین حوزه نظامی درصدد تشویق آمریکا برای به کارگیری مواضعی خصمانه تر از دولت باراک اوباما نسبت به ایران برآمدند. آزمایش های موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری های نظامی محدود در خلیج فارس، بهانه های فشار حداکثری به ایران بود. ایالات متحده آمریکا به رهبری دونالد ترامپ نیزتمام تعاملات منطقه ای را در راستای تقویت جبهه عربی–صهیونیستی شکل داد. ترامپ با خارج شدن از برجام و اتخاذ سیاست فشار حداکثری و افزایش فشارهای تحریمی و ضدایرانی، کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را عملاً بیش از پیش زیر چتر حمایتی خود قرار داد. (Abbasi & Hamidfar, 2020: 17)

- **حفظ مشروعیت داخلی،منطقه ای و بین المللی**

حفظ مشروعیت داخلی، منطقه ای و بین المللی، مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران، حل مسئله فلسطین، توجه به خواست نسل جدید جوانان در عربستان، اجرایی نمودن طرح های اقتصادی مورد نظر محمد بن سلمان و حفظ اتحاد راهبردی با آمریکا، همگی از مهمترین ملاحظات و اولویت های عربستان می باشد. (Nemati & Haji Yousefi 2019: 179)

حفظ مشروعیت داخلی برای نسل جدید جوانان عربستان از اولویت های مهم عربستان بوده و از نظر سران عربستان عادی سازی روابط موجب کسب مشروعیت داخلی آنان خواهد شد.

- **تأثیر ایران هراسی شکل گرفته توسط دشمنان ایران**

ایران هراسی بر بستر برخی واقعیت ها در منطقه و وارونه نمایی برخی دیگر شکل گرفته، تا در پرتو آن هزینه قدرت یابی ایران به نحوی افزایش یابد که انتقال قدرت غیرممکن شود. (Shariati Nia,2010: 193) محور اصلی راهبرد ایران هراسی، هراس افکنی در بین کشورهای منطقه از قدرت نظامی بازدارنده و هسته ای ایران است و هدف آن تغییر محور منازعه منطقه ای عربی یا اسلامی-رژیم صهیونیستی به سمت نوعی ائتلاف ولو غیر رسمی رژیم صهیونیستی -عربی علیه ایران است. (Navidi Nia & Moradi Kolardeh, 2021: 98-99)

دلایل استراتژیکی نزدیکی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

-رقابت ایدئولوژیک بین ایران و عربستان

یکی از عوامل مؤثر بر روابط بین رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و مشخصاً عربستان سعودی را می توان در تنش هایی یافت که درخصوص مسائل ایدئولوژیک منطقه و نقش ایدئولوژیکی دید که ایران و عربستان به عنوان دو قدرت مهم منطقه ای ایفا می کنند. عربستان خود را به عنوان خاستگاه اسلام و حاکمان خود را به عنوان خادمان اماکن مقدس اسلامی و حرمین شریفین می دانند، بر این اساس برای خود اولویت رهبری جهان اسلام مبتنی بر پوشش تسنن و لایه پنهان وهابیت قائل است. این درحالی است که جمهوری اسلامی ایران هم خود را به عنوان ام القراء و مرکز جهان اسلام معرفی و برای خود رسالت رهبری جهان اسلام قائل گردیده است. پس از انقلاب اسلامی به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی – وهابی به رهبری عربستان سعودی قرارگرفت و هر یک مشروعیت دیگری را زیرسؤال بردند. پررنگ شدن عنصر شیعه در تحولات منطقه ای به ویژه عراق، لبنان و یمن و وقوع انقلاب های اجتماعی جهان عرب از یک سو و پررنگ تر شدن عنصر سنتی سلفی در عرصه منطقه ای ازسوی دیگر باعث گسترش الگوی تعارض در روابط ایران و عربستان گردیده است؛ بنابراین هر یک سعی در ایجاد توازن علیه دیگری دارد. درچنین فضایی

عربستان برای مقابله با رقیب ایدئولوژیک منطقه ای خود و در چارچوب اصل « دشمن دشمن من، دوست، دوست من است» نزدیکی با رژیم صهیونیستی را مد نظر قرار داده است تا بتواند با ایران و بازوی قدرتمندش در لبنان، که هر دو از دشمنان و رقبای اصلی رژیم صهیونیستی هم به شمار می روند مقابله کند. به بیان دیگر منافع حکومت سعودی و دولت تلآویو برای رؤیارویی با این دشمن مشترک بیش از هر زمان دیگری در یک راستا قرار گرفته است. (Rouhi & Hajizadeh,2023:198) در دهه های اخیر و بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، ایران را خطرناک ترین دشمن خود تلقی نموده اند. در محافل داخلی دوکشور اعتقاد بر این است که هماهنگی امنیتی و تقویت روابط با یکدیگر و با دیگر کشورها، یک ضرورت سیاسی مهم برای مقابله با ایران است. (Akhavan Kazemi, Narimani, & Sadeghi, 2016:132)

ایران بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل حرکت عربستان و رژیم صهیونیستی در مسیر عادی‌سازی روابط، نوع رابطه آنها با جمهوری اسلامی ایران است. طی یک دهه اخیر سطح روابط عربستان سعودی و ایران روند نزولی داشته و سطح روابط دو کشور از وضعیت «رقابت» به «خصومت» تنزل یافته است، به نحوی که روابط دیپلماتیک تهران- ریاض از سال ۲۰۱۶ تا کنون قطع شده است. «کوبی میشل»، محقق مؤسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل آویو عنوان می‌کند که عربستان سعودی به همراه مصر، اردن و دولت های خلیج فارس به استثناء قطر تهدید مشترک دارند: ایران. الگوی رفتاری عربستان سعودی نشان می‌دهد که دولت سعودی قصد ندارد اجازه دهد تحول قدرت منطقه‌ای ایران ادامه پیدا کند. رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی خواستار حمایت غرب از خود در مقابل خواسته های جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها نسبت به قدرت ایران درمنطقه شناخت کافی دارند لذا ایران را به لحاظ اختلاف تفکر و اهداف با خود، تهدید بالقوه می دانند لذا به زعم آن ها ایران تهدیدی مشترک برای آنان به شمار می روند و این تفکر می تواند آن دو را به توافق نزدیک تر کند.(Alsaafin, 2017)

- تغییرات در راهبرد منطقه ای آمریکا

یک نگاه دقیق به سیاست خاورمیانه ای آمریکا پس از جنگ سرد تاکنون نشان می دهد سیاستی که آمریکا در رابطه با عربستان دنبال کرده است، سیاست منزوی ساختن این ملت غنی از منطقه، با هدف قرار گرفتن دائمی آنها در چتر امنیتی آمریکا می باشد.
(Nemati & Haji Yousefi, 2019: 172)

تازمانی که عربستان مسیر تقویت روابط خود با شهروندان در داخل را طی نکند و از رقابت های بی معنی با قدرت منطقه ای دست برندارد، هیچ تغییری در وابستگی امنیتی این کشور به آمریکا ایجاد نخواهد شد.

- **علاقه عربستان برای دریافت یک سلسله امتیازات از آمریکا و رژیم صهیونیستی و منافع اقتصادی پس ازعادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی**

فراتر از سطح منطقه ای، عربستان سعودی رژیم صهیونیستی را ایستگاهی برای رسیدن به حمایت های اقتصادی و سیاسی آمریکا و به طور کلی قرار گرفتن در جبهه قدرت برتر در عرصه جهانی می بینند؛ به گونه ای که برای مثال ایالات متحده چشم بر نقض گسترده حقوق بشر و سرکوب سیاسی توسط این رژیم ها ببندد. (Jahanirad, 2023: 153)

- **جزایر صنافیر و تیران: دروازه صلح عربستان و رژیم صهیونیستی**

با وجود در اخیار بودن این جزایر توسط مصر، رژیم صهیونیستی، نقش مشخصی برای خود در دستور کار منطقه ای عربستان و مصر ایجاد کرد، و توافق نامه جزایر دریای سرخ میان مصر و عربستان را به عنوان یک فرصت برای همکاری بیشتر در میان این دولت ها در نظر گرفت.((Adami et al,2018:203

- **تلاش رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی برای همگرایی بیشتر به آمریکا**

یکی از وجوه مشترک بین رژیم صهیونیستی با کشور عربستان هم پیمانی با ایالات متحده آمریکا است؛ در این مجال، نقش لابی های آمریکا در ائتلاف سازی برای ایجاد جبهه واحد در مقابل ایران می تواند پر رنگ باشد. شورای روابط خارجی، آیپک و... نقش ویژه ای را ایفا می نمایند. در مجموع ایالات متحده در راستای تضعیف جمهوری اسلامی سعی می کند با ایجاد همکاری های منطقه ای جبهه ای واحد در مقابل جمهوری اسلامی ایجاد نماید. این ائتلاف سازی از جانب رژیم صهونیستی و عربستان نیز مطلوب است و می تواند در یارکشی مقابل

ایران توازن را به سمت دو کشور مذکور تقویت کند. ائتلاف سازی عربستان با رژیم صهیونیستی می تواند در همگرایی دولت دموکرات بایدن با سیاست های منطقه ای دو کشور فوق همسویی ایجاد کند. (Rouhi & Hajizadeh,2023: 203)

- **ظهور نخبگان جدید در عربستان سعودی و تغییر سیاست عربستان**

از جمله شاخصه های بسیاری از کشورهای عرب از جمله عربستان سعودی، ضعف ساختارهای مردم سالاری است. این خصیصه باعث تقویت شخصیت ها و نخبگان در ساختار حاکمیتی و پررنگ شدن نقش این اشخاص در سیاست خارجی آنها شده است. در واقع، بسیاری از دوستی ها و دشمنی ها در حوزه کشورهای عربی همواره متأثر از ملاحظات، ذهنیت ها، توهّمات و یا انگیزه ها و منافع شخصی رهبران و نخبگان سیاسی این منطقه بوده است. در همین راستا، رهبران نسل های گذشته جهان عرب و به ویژه نخبگان و حاکمان سیاسی نیم قرن گذشته آنها، همواره رویکردی محافظه کارانه داشته و تلاش داشتند از تغییر و تحولات ناگهانی، جلوگیری کنند، اما اکنون یکی از علل اصلی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، تغییر نسل نخبگان و سیاست آنان در عربستان سعودی است. (Al-Shahrani,2007: 91)

رژیم صهیونیستی با ارائه چهره ای صلح دوستانه از خود و افزایش مناسبات فرهنگی، علی رغم نبود اشتراکات تاریخی و فرهنگی قابل توجه بین آنها، در بین نخبگان کشورهای عربی نفوذ کرده و بطور همزمان با احزاب موافق و مخالف دولت ها به ویژه عربستان سعودی ارتباطات دوستانه ای برای پیشبرد اهداف بلند مدت خود برقرار کرده است.

-تغییر سیاست خارجی عربستان سعودی از انزوا گرایی به نقش آفرینی در منطقه و جهان

سیاست خارجی عربستان، بر پایه حفظ روابط دوستانه این کشور با کشورهای سرمایه داری غرب شکل گرفته است. با این همه، عربستان همواره کوشیده است تا در سیاست دیگر خارجی خود، رویکردی دوگانه را حفظ کند؛ به عبارت دیگر، این کشور باید بصورت همزمان دو نقش متعارض را ایفا کند: رهبری جهان اسلام، دوست و متحد غرب. بنابراین،عربستان سعودی در سیاسدت خارجی، تمامی روابط خود را با غرب، بویژه کشورهای طرفدار آن، قرار داده و همواره می کوشد تا در مقابل سیاست های رادیکالی جهان عرب و منطقه، نقش متعادل

کننده ای را ایفا کند. بر همین اساس، نیـز امـروزه عربسـتان، بـه عنـوان یکـی از مراکـز مهـم سیاست های منطقه ای آمریکا و غرب در میان کشورهای جهان اسلام درآمده و سـعی نمـوده تا با دنباله روی از کشورهای غربی نقش فعال تری در منطقه داشته و توان استراتژیک کشوری را در صحنه سیاسی جهان بالا ببرد.(Karimi, 2011: ۱۲)

- نگرانی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از توافق هسته ای ایران

با ایجاد روابط حسنه بین رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به نظر می رسـد هـر دو بـرای جلوگیری از دست یابی ایران به توانایی نظامی هسته ای و در جهت مهار کـردن تـلاش ایـران برای رسیدن به قدرت منطقه ای، مشتاق خواهند بود.هر دو از چرخش در سیاست های آمریکا به خصوص در ارتباط با عدم تمایل در جهت استفاده از زور علیه ایران نگران و آشفته بودنـد. (Adami et al,2018:۲۰۱) انعقاد قرارداد توافق هسته ای و به دنبال آن نزدیکـی ایـران بـه غرب و به خصوص آمریکا برای عربستان و رژیم صهیونیستی که از متحدان منطقه ای آمریکـا بودند و بقا و امنیت خود را در اتکای به آمریکا می دانستند، قابل قبـول نبـود. از ایـن رو درک جدیدی در عربستان و رژیم صهیونیستی شـکل گرفـت کـه بـه عنـوان دشـمنان ایـران روابـط دوستانه بهتری با یکدیگر داشته باشند و به همین دلیل مقامات آنان تصمیم گرفتند تا مذاکرات خود را علنی کنند. (Rostami & Tara2018: 132)

- غلبه رژیم صهیونیستی بر مشکلات داخلی

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس با مشکلات زیادی از جملـه اقتصـادی، اجتمـاعی، سیاسـی و امنیتی مواجه بوده است. وجود این بحران ها در دوره های مختلف به نوعی تأثیر بـر منفـی بـر جامعه این رژیم گذاشته است. سران این رژیم با منحرف کردن افکار عمومی به سمت مسـائل خارجی مانند تهدیدات ایران و بهبود روابط بـا کشـورهای عربـی، بـدنبال القـاء ایـن موضـوع هستند که دیگر رژیم صهیونیستی دشمن درجه یک اعراب نیست و روابط خوبی با کشـورهای منطقه دارد و این موضوع می تواند سرپوش خوبی بر ناکامی های داخلـی رژیـم صهیونیسـتی بوده و با بهره گیری از منـابع مـالی اعـراب بخشـی از هزینـه هـای نظـامی را کـاهش دهـد.(Ekhtiari Amiri, et al,2020: 115-116)

- دشمنان مشترک از نظر رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه برخی از کشورها و گروه های منطقه غرب آسیا به عنوان دشمن مشترک، وارد نوعی اتحاد طبیعی و نانوشته شده اند که مقابله با آنها باعث نزدیکی هرچه بیشتر این دوکشور با یکدیگر و تقویت و تعمیق روابط امنیتی و سیاسی بین آنها شده است. وجود این دشمنان مشترک، پتانسیل همکاری های استراتژیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را افزایش داده و ضریب همسویی سیاست های امنیتی آنها را با یکدیگر تقویت نموده است. از نظر عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی مهمترین گروههای مزبور عبارتند از :« ایران، حزب الله، حماس، اخوان المسلمین در مصر، سوریه، یمن »

وجود هم پیمانان و دوستان مشترک نیز، باعث گسترش همسویی و ارتقاء نوعی ائتلاف نانوشته میان ریاض و تل آویو شده است. این موضوع که هر دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی متحدین استراتژیک و هم پیمانان اصلی آمریکا و شرکای تجاری اتحادیه اروپا هستند و در مدار دوستی و اتحاد با غرب قرار دارند، از دلایل افزایش همسویی و همکاری مشترک میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بوده است. در واقع از آنجایی که هر دو کشور از متحدین استراتژیک آمریکا محسوب می شوند و هر دو از کمک های تسلیحاتی آمریکا بهره می برند و همچنین هر دو در آمریکا دارای یک لابی قوی هستند، نوعی اشتراک منافع طبیعی میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی ایجاد شده است. در این میان، علیرغم انتقادهای اتحادیه اروپا نسبت، به وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، روابط گسترده تجاری، اقتصادی و سیاسی و امنیتی بین آنها و سعودی ها همچنان از قوت برخوردار است.آمریکا، اتحادیه اروپا ،ترکیه بعنوان متحدان و هم پیمانان مشترک ریاض و تل آویو می باشند. (Akhavan Kazemi, Narimani, & Sadeghi, 2016: 137)

- پیمان i2u2 و نقش عربستان و رژیم صهیونیستی

کریدور اقتصادی هند–خاورمیانه–اروپا(IMEC) که در قالب پیمان i2u2 شکل گرفت، در اجلاس گروه ۲۰ در سپتامبر ۲۰۲۳ در دهلی نو به طور رسمی اعلام شد. این کریدور از دو کریدور مجزا تشکیل خواهد شد. کریدور شرقی که هند را به خلیج فارس، و کریدور شمالی که خلیج فارس را به اروپا متصل می کند. این کریدور شامل یک مسیر راه آهن خواهد بود که پس ار تکمیل، یک شبکه حمل و نقل بین المللی چند وجهی و مقرون به صرفه را برای تکمیل

مسیرهای دریایی و جاده ای موجود از مبـدأ و مقصـد میـان هند،امارات،عربسـتان،اردن، رژیـم صهیونیستی و اروپا امکان پذیر می سازد. مسیر ریلی این کریدور از امارات آغـاز و بـا گـذر از عربستان،اردن و رژیم صهیونیستی نهایتاً به بندر حیفا خواهد رسید. این طـرح توسـط مقامـات رژیم صهیونیستی تهیه شده است و بعنوان یک تحـول شـرگرف تلقـی مـی گـردد کـه ممکـن بسیاری از کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. دخالت عربستان سعودی در کریدور نشان دهنده تغییری استراتژیک است و نفوذ فزاینده اقتصادی منطقه ای و جهانی آنها را برجسته مـی کند. این امر می تواند نشان دهنده یک پویایی در حال تغییر در رروابط بین الملل، بـه ویـژه بـا ایالات متحده باشد.

(Iran Chamber of Commerce Research Center,2023).)

رقابت های عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی

بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به دنبال کاهش سـطح تـنش در منطقـه هسـتند و بیشـترین رقابت بین آنها، رقابت اقتصادی است. آمریکا به دلیل رقابت شدید با چین و مقابله بـا بحـران کره شمالی بیشتر حضور خود را در منطقه شرق آسیا متمرکز نموده است و منطقه غـرب آسـیا را به شرکای منطقه ای خود واگذار کرده است.

(Zohdi Nasab & Mahmoudi Toulash, 2020: 46)

در این راستا رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز برای دستیابی بیشتر بـه منـافع خـود بـا یکدیگر در رقابت هستند و هرکدام در تلاش برای ایفای نقش بیشـتر بـرای حضـور خـود در مناسبات منطقه و اثبات خود به آمریکا و همچنین کسب منافع بیشتر می باشند.

پامدهای عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

عادی سازی روابط ریاض با تل آویو برای جمهوری اسلامی ایران اهمیـت زیـادی دارد. ایـن فرایند بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصـت باشـد، یـک تهدیـد اسـت. ایـن شرایط تهدیداتی در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و نظامی–امنیتـی بـرای ایـران بـه همـراه دارد.

(Nemati & Haji Yousefi, 2019: ۱۷۹)

پیامد های امنیتی عادی سازی روابط:

- **رصد تحرکات ایران در دریای سرخ به صورت مشترک**

از نظر عربستان و رژیم صهیونیستی یکی از مهمترین تهدیدات عربستان در دریای سرخ که این پادشاهی را به سمت اتحاد و ائتلاف با کشورهای همجوار دریای سرخ کشانده، ایران می باشد. بدون شک مهم ترین و ارجح ترین استراتژی عربستان سعودی جهت ایجاد ائتلاف سازی در دریای سرخ مقابله با تهدیدهای ایران در این حوزه جغرافیایی است. در چند سال گذشته حوزه رقابت بین ایران و عربستان از خلیج فارس و هلال خطیب(عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) به سمت دریای سرخ و خلیج عدن کشیده شده است. قدرت یابی نیروهای متحد ایران(انصارالله) در یمن و کنترل باب المندب از سوی این نیروها، رقابت بین عربستان و ایران را برای نفوذ در دریای سرخ بیش از پیش نمایان کرده است. با توجه به سوابق حضور ایران در شاخ آفریقا و ارتباط این کشور با کشورهایی چون جیبوتی و سودان، سعودی ها ساحل شرقی آفریقا را به عنوان اهرمی جهت کنترل و تسلط ایران بر باب المندب قلمداد کردند. این ترس آنان با قدرت گیری انصارالله و تسلط آن بر باب المندب دوچندان شده است. تسلط نیروهای تحت حمایت ایران بر باب المندب و هدف قرار دادن کشتی ها از سوی این نیروها، نشانی بر نفوذ قدرتمند ایران بر دریای سرخ است. اظهارات مقامات سعودی از ایجاد ائتلاف جدید با مشارکت هشت کشور حاشیه دریای سرخ و خلیج عدن به پایتختی ریاض، به خوبی نمایان گر تصمیم مصمم عربستان سعودی برای تثبیت نقش و حضور خود در دریای سرخ است. بنابراین استقرار و تثبیت قدرت بلند مدت آنان حامل تهدیدات امنیتی و ژئوپلیتیکی فراوانی برای ایران منجر می شود که هشدار جدی برای امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است. استراتژی اتحاد و ائتلاف ایران با دیگر کشورها که در جهت صیانت از منافع ملی کشورها بود، کم کم از سوی سایر بازیگرانی چون رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت. مقامات سیاسی عربستان برای مقابله با آنچه که تهدید در شاخ آفریقا محسوب می شد، به سمت اتخاذ مواضع نزدیکتر با رژیم صهیونیستی حرکت نموده و در یک موضع مشترک خواهان مقابله با تهدید مشترک بودند.

(Kazemi et al,2021: ۲۰۴-۲۱۱)

سیاست های مشترک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در حوزه دریای سرخ و همچنین کنترل تحرکات و اقدامات ایران در این حوزه می تواند با عادی سازی روابط آنان افزایش یافته و اقدامات ایران را کاهش دهد و همچنین افزایش میزان خرابکاری و اقدامات مخرب آنان بر ضد ایران را به همراه داشته باشد.

- **نا امن کردن فضا برای ایران در منطقه**

در خصوص موازنه سازی منطقه ای و بین المللی، آمریکا علاوه بر کمک به پیگیری برنامه صلح ابراهیم و کمک به عادی سازی روابط اعراب متحد خود در منطقه با رژیم صهیونیستی، سعی در ایجاد یک ناتوی عربی برای نا امن کردن فضا برای رقیب استراتژیک خود یعنی ایران می کند.(Jamshidi, et al,2023: 154)

عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و سپس حضور بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه می تواند فضا را برای جمهوری اسلامی ایران نا امن کند چرا که مسلماً هدف این رژیم ایجاد نا امنی برای ایران می باشد.

پیامد های دفاعی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

- **یکپارچه سازی سامانه های موشکی و دفاعی مشترک در غرب آسیا:**

هدف آمریکا در دوران بوش پسر معطوف به تغییر رژیم های مختلف در خاورمیانه بود، ولی اکنون ثبات منطقه ای را به عنوان تنها هدف کلان دنبال می کند. ایالات متحده به بهانه تهدیدات موشکی و پهپادی علیه منافع خود و متحدان منطقه ای و همچنین نشان دادن تعهد خویش به امنیت و ثبات منطقه ای در سایه کاهش حضور فیزیکی، درصدد یکپارچه سازی سامانه های دفاع موشکی و رادیویی کشورهای منطقه برآمده است. با این حال، چشم انداز اجرای این طرح حداقل در آینده کوتاه مدت روشن نیست. وجود دیوار عمیق بی اعتمادی و اختلافات اعضاء(به ویژه اعراب با رژیم صهیونیستی)، عدم استفاده اعراب و رژیم صهیونیستی از سامانه های دفاعی مشترک و بهره گیری عربستان و امارات از تجهیزات دفاعی روسی و چینی و... چالش های عمده در مسیر اجرای این طرح می باشد. (Gohari Moghaddam & Hazrati Razliqi, 2022: 145-147)

عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی می توانـد در راسـتای حـل مشـکلات بـرای ایجاد سامانه های دفاعی مشترک در غرب آسیا مفید واقع شود و با اقدامات رژیم صهیونیسـتی در ارتباط با عربستان، آمریکا را در رسیدن به هدف خود کمک خواهد کرد.

- **افزایش همکاری های دفاعی و نظامی عربستان و رژیم صهیونیستی**

در سال های گذشته عربستان سعودی همکاری های اطلاعاتی گسترده ای را با دیگـر کشـورها آغاز کرده است که هدف آن رصد فعالیت های اطلاعاتی و نهضتی جمهوری اسلامی ایـران در کشورهای حاشیه خلیج فارس، لبنان و سوریه است. بدین منظور کشورهای عربستان و امـارات از توان رژیم صهیونیستی به ویژه در خصوص رصد تحرکات ایرانی ها و حـزب الله در صـحنه لبنان و سوریه استفاده می کنند. همچنین عربستان با رژیم صهیونیستی همکاری هـای مختلـف در زمینه دفاعی و نظامی دارند که با توجه به شرایط جهان اسلام، آشکارا و علنـی اعـلام نمـی گردد. از همکاری های عربستان و متحدانش با رژیم صهیونیستی می تـوان بـه همکـاری هـای نظامی و اطلاعاتی در جنگ یمن اشاره کرد، که پس از حمله عربستان به یمن بر همکاری های نظامی و دفاعی آنان افزوده شد.

(Zohdi Nasab & Mahmoudi Toulash, 2020: 36-37)

همانطور که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بصورت پنهان همکاری های دفاعی و نظامی گسترده دارند، با عادی سازی روابط آنان مسلماً این همکاری ها بر ضد ایران بعنـوان مهمتـرین کشور منطقه افزایش چشم گیری خواهد داشت. جمـع آوری اطلاعـات و جاسوسـی از مراکـز مهم کشور از طریق فعالیت در کشورهای همسایه ایران و همچنین عملیـات هـای محـدود بـر علیه پایگاههای محور مقاومت در منطقه برای کاهش عمق راهبـردی ایـران و افـزایش طـرح و اقدامات برای خرابکاری هـا در داخـل ایـران را مـی تـوان از پیامـدهای حضـور بیشـتر رژیـم صهیونیستی در منطقه از طریق عادی سازی روابط با عربستان دانست.

پرسشنامه و تحلیل نرم افزاری:

با توجه به روش تحقیق که اشاره شد ترکیبی می باشد لذا برای بخش پرسشـنامه و تحلیـل نرم افزار سؤالاتی را در دو شاخص با روش طیف لیکرت و ۵ گزینه ای (از کاملاً مخالفم الی کاملاً موافقم) طراحی و جمع آوری نموده و نظرات صاحبنظران در این حوزه توسط پرسشنامه

محقق ساخته دریافت گردید. پیامدهای امنیتی عادی سازی با ۱۰ سـؤوال و پیامـدهای دفـاعی عادی سازی روابط نیز با ۹ سؤوال از اساتید خبره جمع آوری گردید و در نهایت با اسـتفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌های موجود در پرسشنامه‌ها مـورد ارزیـابی قـرار گرفـت کـه نتـایج آمـار توصیفی و استنباطی هر دو شاخص در جداول به شرح زیر می باشد:

شاخص اول: «پیامدهای امنیتی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سـعودی بر جمهوری اسلامی ایران»

سؤالات پرسشنامه – پیامدهای امنیتی:

۱	با عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی آسیب پذیری امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی افزایش می یابد.
۲	عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و خارج‌شدن آن از حالت تابو و از بین رفتن قبح روابط با رژیم صهیونیستی ممکن است به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین‌المللی منجر شود.
۳	مطرح‌شدن رژیم صهیونیستی در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی و راهبردی کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی به عنوان ام القراء کشورهای عربی، باعث مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های تل‌آویو شده و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف می کند.
۴	با نزدیک شدن رژیم صهیونیستی به مرزهای امنیتی جنوبی ایران، نفوذ امنیتی آشکار این رژیم در مرزهای جنوبی کشور و خلیج فارس افزایش خواهد یافت.
۵	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم اشغالگر فلسطین تا حدودی بر معادلات منطقه تأثیر گذاشته و حضور و نفوذ آمریکا را در منطقه افزایش خواهد داد.
۶	افزایش سطح مداخله گری رژیم صهیونیستی در موضوعات سیاسی و امنیتی ایران از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است.
۷	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی اقدامات خرابکارانه مانند ترور اشخاص تأثیر گذار نظامی و علمی، اقدامات خرابکارانه در تأسیسات راهبردی نظامی و

	غیرنظامی بر ضد جمهوری اسلامی ایران را افزایش خواهد داد.
۸	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی باعث تقویت ناامنی، ناآرامی های داخلی و ایجاد چالش های سیاسی در داخل ایران خواهد شد.
۹	یکی از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی رشد و حمایت گروه های افراطی مانند جیش الظلم، القاعده ، داعش، جبهه النصره، جیش الاسلام، هیئت تحریرالشام و احرارالشام و... درمنطقه است.
۱۰	عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی باعث تبدیل شدن عربستان به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویسهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و همچنین تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی– امنیتی و تخریبی رژیم صهیونیستی درمنطقه خواهد شد.

نتایج آزمون توصیفی سؤالات پیامدهای امنیتی(شاخص اول):

	تعداد	منیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
سوال اول	۳۵	۲	۵	۴,۱۷	.۶۱۸
سوال دوم	۳۵	۲	۵	۳,۶۶	.۸۷۳
سوال سوم	۳۵	۲	۵	۳,۹۷	.۷۸۵
سوال چهارم	۳۵	۴	۵	**۴,۴۶**	.۵۰۵
سوال پنجم	۳۵	۲	۵	۳,۹۴	.۸۳۸
سوال ششم	۳۵	۱	۵	۳,۹۴	.۸۷۳
سوال هفتم	۳۵	۱	۵	۳,۹۱	.۸۸۷
سوال هشتم	۳۵	۲	۵	۳,۸۳	.۷۰۷
سوال نهم	۳۵	۳	۵	۴,۲۳	.۶۴۶
سوال دهم	۳۵	۲	۵	۴,۱۱	.۹۳۲

نتایج آزمون توصیفی شاخص اول پرسشنامه پژوهش نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به سؤال چهارم می‌باشد؛ یعنی از دیدگاه جامعه پژوهش، مهم‌ترین پیامد امنیتی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، «افزایش نفوذ امنیتی آشکار رژیم صهیونیستی در مرزهای جنوبی کشور و خلیج فارس» است.

شاخص دوم: «پیامدهای دفاعی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران»

سؤالات پرسشنامه – پیامدهای دفاعی:

۱	با تحقق عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، اتحاد دفاعی منطقه ای با کشورهای عربی در مقابل ایران ایجاد خواهد شد.
۲	تقویت توانایی های نظامی و تسلیحاتی عربستان سعودی از پیامدهای نظامی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است.
۳	با نزدیک تر شدن روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی رزمایش ها و مانورهای مشترک در سطح وسیع تر برای انتقال تجربیات به عربستان سعودی انجام خواهد گرفت.
۴	یکی از پیامدهای عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی هم افزایی سعودی-صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت به عنوان اتحادهای قدرتمند ایران است.
۵	عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی سبب اعمال فشارهای نظامی بر جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی از مهمترین اهداف رژیم صهیونیستی جهت حضور در جدار مرزهای ایران می باشد.
۶	یکی از پیامد های مهم عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی تلاش رژیم صهیونیستی برای برخورد و مقابله با متحدان جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشد.
۷	از پیامدهای دفاعی عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، تغییر در موازنه قدرت منطقه ای و تغییر نظم و ساختار امنیتی منطقه به ضرر ایران است.
۸	با نزدیکی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، هم افزایی نظامی دشمنان و محدود کردن فعالیت های نظامی جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد یافت.
۹	با عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و سازش اعراب و تلاش های جهان عرب در نزدیکی روابط با رژیم صهیونیستی، حلقه تهدیدات رژیم صهیونیستی بر ضد ایران بیشتر شده است و این موضوع باعث شده سناریوی درگیری رژیم صهیونیستی و ایران، از سوی برخی تحلیلگران جدی

	باشد.

نتایج آزمون توصیفی سؤالات پیامدهای دفاعی(شاخص دوم):

	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
سوال اول	۳۵	۲	۵	۳,۶۹	.۹۹۳
سوال دوم	۳۵	۲	۵	۳,۹۴	.۸۰۲
سوال سوم	۳۵	۳	۵	۴,۰۹	.۷۰۲
سوال چهارم	۳۵	۴	۵	**۴,۵۷**	.۵۰۲
سوال پنجم	۳۵	۱	۵	۳,۸۶	.۹۱۲
سوال ششم	۳۵	۳	۵	۴,۴۰	.۵۵۳
سوال هفتم	۳۵	۲	۵	۴,۱۱	.۷۱۸
سوال هشتم	۳۵	۳	۵	۴,۰۹	.۵۶۲
سوال نهم	۳۵	۳	۵	۴,۲۹	.۶۲۲

نتایج آزمون توصیفی شاخص دوم پرسشنامه پژوهش نیز نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به سؤال چهارم است و از دیدگاه جامعه پژوهش مهم‌ترین پیامد دفاعی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، «هم افزایی سعودی–صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت به عنوان اتحادهای قدرتمند ایران» است.

نتیجه گیری آمار استنباطی پرسشنامه بوسیله نرم افزار:

نتایج ارزیابی پیامد های امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی:

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف –پیامدهای امنیتی:

پیامدهای امنیتی		
۳۵	تعداد	
۴.۰۲۲۹	میانگین	پارامترهای نرمال
.۳۵۷۳۵	انحراف معیار	
.۰۹۲	مطلق	
.۰۹۲	مثبت	بیشترین حد اختلاف ها
-.۰۷۲	منفی	
.۵۴۲	کولموگروف اسمیرنوف	
.۹۳۰	سطح معناداری	

نتایج آزمون تی تک نمونه ای-پیامدهای امنیتی:

	۳ = حد متوسط					
	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
سوال اول	۱۱.۲۲۰	۳۴	.۰۰۰	۱.۱۷۱	.۹۶	۱.۳۸
سوال دوم	۴.۴۵۶	۳۴	.۰۰۰	.۶۵۷	.۳۶	.۹۶
سوال سوم	۷.۳۱۸	۳۴	.۰۰۰	.۹۷۱	.۷۰	۱.۲۴
سوال چهارم	۱۷.۰۵۶	۳۴	.۰۰۰	۱.۴۵۷	۱.۲۸	۱.۶۳
سوال پنجم	۶.۶۵۵	۳۴	.۰۰۰	.۹۴۳	.۶۵	۱.۲۳
سوال ششم	۶.۳۹۳	۳۴	.۰۰۰	.۹۴۳	.۶۴	۱.۲۴
سوال هفتم	۶.۰۹۹	۳۴	.۰۰۰	.۹۱۴	.۶۱	۱.۲۲
سوال هشتم	۶.۹۳۸	۳۴	.۰۰۰	.۸۲۹	.۵۹	۱.۰۷
سوال نهم	۱۱.۲۵۸	۳۴	.۰۰۰	۱.۲۲۹	۱.۰۱	۱.۴۵

سوال دهم	۷.۰۷۲	۳۴	.۰۰۰	۱.۱۱۴	.۷۹	۱.۴۳

نتایج ارزیابی پیامدهای دفاعی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف -پیامدهای دفاعی

پیامدهای دفاعی		
۳۵	تعداد	
۴.۱۱۴۳	میانگین	پارامترهای نرمال
.۴۳۳۲۶	انحراف معیار	
.۱۲۰	مطلق	بیشترین حد اختلاف ها
.۰۹۰	مثبت	
-.۱۲۰	منفی	
.۷۰۹	کولموگروف اسمیرنوف	
.۶۹۶	سطح معناداری	

نتایج آزمون تی تک نمونه ای-پیامدهای دفاعی

	۳ = حد متوسط					
	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
سوال اول	۴.۰۸۴	۳۴	.۰۰۰	.۶۸۶	.۳۴	۱.۰۳
سوال دوم	۶.۹۵۲	۳۴	.۰۰۰	.۹۴۳	.۶۷	۱.۲۲
سوال سوم	۹.۱۵۳	۳۴	.۰۰۰	۱.۰۸۶	.۸۴	۱.۳۳
سوال چهارم	۱۸.۵۱۶	۳۴	.۰۰۰	۱.۵۷۱	۱.۴۰	۱.۷۴
سوال پنجم	۵.۵۶۰	۳۴	.۰۰۰	.۸۵۷	.۵۴	۱.۱۷
سوال ششم	۱۴.۹۷۶	۳۴	.۰۰۰	۱.۴۰۰	۱.۲۱	۱.۵۹
سوال هفتم	۹.۱۷۷	۳۴	.۰۰۰	۱.۱۱۴	.۸۷	۱.۳۶
سوال هشتم	۱۱.۴۲۷	۳۴	.۰۰۰	۱.۰۸۶	.۸۹	۱.۲۸
سوال نهم	۱۲.۲۳۴	۳۴	.۰۰۰	۱.۲۸۶	۱.۰۷	۱.۵۰

با توجه به پیامدهای دفاعی- امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ سؤوال برای پیامدهای امنیتی و ۹ سؤوال برای پیامدهای دفاعی احصاء شد که از طریق جمع کردن شاخص های هر کدام از مؤلفه های بدست آمده و در اولویت بندی این دو پیامد این نتیجه حاصل شد که هیچ کدام از پیامدهای دفاعی و پیامدهای امنیتی نسبت به دیگری اولویت نداشته و باید پیامدهای دفاعی-امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر جمهوری اسلامی ایران را بصورت یک بسته دید و برای آن راهکار ارائه داد.

تحلیل نتایج نرم افزار:

پیامد های دفاعی و پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی دو پیامد به هم پیوسته است که هر پیامد می تواند دیگر پیامد را تحت تأثیر خود قرار دهد. بعنوان مثال پیامدهای دفاعی می تواند امنیت جمهوری اسلامی ایران را به خطر اندازد و

بالعکس. پس براساس نتیجه تحلیل نرم افزار هردو پیامد بر جمهوری اسلامی ایران از اولویت بالا برخوردار بوده و دارای اهمیت ویژه می باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روابط عربستان با رژیم صهیونیستی در ذیل نظریه نوواقع گرایی قابل تبیین و بررسی است؛ چرا که بر اساس این نظریه، دولت ها به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند و وجود تهدید مشترک و منافع مشترک، آنها را به سمت همکاری با یکدیگر سوق می دهد. به طوری که باوجود اختلافاتی که اعراب و رژیم اشغالگر قدس با یکدیگردارند، همکاری بین آن ها تأمین کننده منافع آن هاست؛ لذا به سمت عادی سازی روابط حرکت می کنند. مجموعه ای از عوامل در سطوح بین المللی، منطقه ای و داخلی منجر به گرایش کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با یکدیگر شده است. رژیم صهیونیستی که جمهوری اسلامی ایران همواره با موجودیت آن مشکل داشته و عربستان سعودی به عنوان رقیب سنتی جمهوری اسلامی ایران که در سال های اخیر رقابت را با تنش و درگیری نیابتی در روابط جایگزین کرده است، در حال همکاری و ایجاد یک صف بندی منطقه ای هستند که این مسئله می تواند برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. چالش ها و پیامدهای منفی چنین هم افزایی دو رژیم در شرایط کنونی بر ضد ایران در حوزه های مختلفی از جمله سیاسی، اقتصادی و دفاعی– امنیتی و... بروز خواهد کرد که در این مقاله به حوزه دفاعی– امنیتی پرداخته خواهد شد. وقتی مبنای نزدیکی بیشتر اعراب و رژیم صهیونیستی به گفته مقامات و نخبگان دو رژیم عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، انسجام بیشتر برای دشمنی با جمهوری اسلام ایران است، طبیعی است که خروجی این همگرایی پیامدهایی بر امنیت و منافع ملی ایران داشته باشد. لذا می توان در حوزه امنیتی پیامدهای این همگرایی را دو حوزه ۱– اقدامات و همکاری های اطلاعاتی جهت خرابکاری و بی ثبات سازی در ایران و همچنین ۲– همکاری هایی در راستای هم افزایی نظامی در برابر جمهوری اسلامی ایران تقسیم بندی نمود. سیاست رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، جلوگیری از افزایش قدرت همه جانبه به وِیژه دفاعی–امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. آنها تلاش می کنند تا با بحران سازی، ایران را در حوزه های جغرافیایی مختلف درگیر کنند. محور اصلی سیاست رژیم صهیونیستی و عربستان

سعودی ایجاد و گسترش جنگ های نیابتی از نوع فراگیر است که در تمام منطقه غرب آسیا با اشکال مختلفی گسترش یافته است. از پیامدهای تعمیق و عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر ایران این است که به هر میزان که این منازعات گسترش بیشتری پیدا کنند، هزینه های اقتصادی و اعتباری ایران بیشتر خواهد شد. عربستان سعودی تلاش می کند تا با استفاده از دیپلماسی، گروه های افراطی ضد شیعی و همچنین کمک مالی به آنان به تضعیف متحدان دولتی و غیر دولتی ایران در منطقه بپردازد و در طرف دیگر نیز رژیم صهیونیستی منافع خود را در نزدیکی هرچه بیشتر با عربستان سعودی می بیند. عادی سازی روابط دو رژیم می تواند پیامد ایجاد یک ائتلاف قدرتمندتر در برابر ایران را ایجاد کند. عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی هیچ روابط رسمی دیپلماتیکی با یکدیگر ندارند. با این حال، گزارش های متعددی حاکی از آن است که همکاری های دیپلماتیک و اطلاعاتی گسترده ای بین آنها در حال وقوع است. نتایج تحقیق نشان می دهد، ابتکار رژیم صهیونیستی برای ایجاد یک اتحاد استراتژیک با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با پشتوانه عربستان سعودی و حمایت گری ایالات متحده آمریکا می تواند در آینده قابل پیش بینی واقع شود. اجرای احتمالی چنین اتحادی می تواند پیامدهای عمده ای در امور منطقه ای در خاورمیانه و بخصوص علیه جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد. ازمهمترین پیامد عادی سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای دفاعی–امنیتی است. در واقع هدف نهایی متصور برای مخالفین جمهوری اسلامی ایران آن است که بتوانند از طریق اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی در نهایت به کاستن از توانمندی های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از طریق؛ زمینه سازی برای اقدامات خرابکارانه و بی ثبات ساز، هم افزایی نظامی و تلاش برای تحدید تسلیحاتی و ضربه زدن به نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران، بپردازند.

جمع بندی یافته های پژوهش مبنی بر این واقعیت است که پیامدهای خطرناک ناشی از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه خلیج فارس و برقراری عادی سازی روابط با مهمترین کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی شرایط امینتی منطقه را بیش از هر زمان دیگری پیچیده نموده و تداوم این رویه و گسترش دامنه روند عادی سازی روابط اعراب

و رژیم صهیونیستی، موازنه قدرت و امنیت منطقه جنوب غرب آسیا و حوزه خلیج فارس را از لحاظ سیاسی و امنیتی تغییر خواهد داد که با توجه به ضدیت جمهوری اسلامی ایران با فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی و پرچم دار بودن در احقاق حقوق ملت فلسطین و مقابله با زیاده خواهی های ضد انسانی این رژیم، جریان مخرب ایجاد شده به طور یقین بیشترین اثر خود را علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت وخواهد داشت.

فهرست منابع

Adami, A., et al. (2018). Israel and Saudi Arabia: A new era of bilateral cooperation. *Strategic Policy Research Quarterly*, *7*(27), 57. In Persian

Ekhtiari Amiri, R., et al. (2020). The de facto Hebrew-Arab alliance and the national security of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Quarterly of Political Studies of the Islamic World*, *9*(1), 101-125. In Persian

Akhavan Kazemi, M., Narimani, G., & Sadeghi, S. S. (2016). An analysis of the strategic relations between Saudi Arabia and the Zionist regime against the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, *13*(47), 125-146. In Persian

Al-Ma'shani, A. b. M. (2020). Normalization means denying the truth and supporting falsehood. *Al-Rooya*. Retrieved from https://alroya.om/post/269452/ in Arabic

Shahin, M., et al. (2018). Analyzing Saudi-Zionist policies and interactions toward the Islamic Republic of Iran in the post-sanctions era. *Contemporary Political Essays*, *9*(3). In Persian

Shariati Nia, M. (2010). Iranophobia: Reasons and consequences. *Foreign Relations Quarterly*, *2*(6). In Persian

Jahanirad, H. (2023). The anti-security effects of Arab-Israeli normalization on the national security of the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, *32*(122). In Persian

Jamshidi, et al. (2023). U.S. military-security strategy in West Asia in the new millennium and Iran's security puzzle to counter it. *Defense Policy Journal*, *32*(125). In Persian

Hosseini, H. (2023). Interests and obstacles in the normalization of relations between Israel and Saudi Arabia. *Middle East Scientific and Strategic Research Center*. Retrieved from http://www.cmess.ir/Page/View/2023-08-26/7280 In Persian

Khani, M. H., & Sadeghi, M. M. (2014). Cost-benefit analysis of the U.S. comprehensive support strategy for the Zionist regime in foreign policy. *Strategic Policy Research Quarterly*, *2*(6), 36. In Persian

Dehghani Firoozabadi, S. J., et al. (2021). The normalization of relations between Arab countries and the Zionist regime and its security implications for the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, *24*(96). In Persian

Dehghani Firoozabadi, S. J. (2015). *Principles of international relations*. Samt Publications. In Persian

Dashti, F., et al. (2023). The process of normalization of Arab-Israeli relations (2011-2020). *Mesopotamian Political Studies Quarterly*, *2*(1), 79-103. In Persian

Dost Mohammadi, A., & Rajabi, M. (2018). Saudi Arabia and the security threat to the Islamic Republic of Iran. *Politics Quarterly*, *48*(4). In Persian

Rostami, F., & Tara, A. (2018). Analysis of Saudi-Israeli relations in the shadow of the Iran nuclear deal. *Global Politics Quarterly*, *7*(2). In Persian

Rouhi, M., & Hajizadeh, S. (2023). Examining the reasons for Saudi-Israeli normalization and its consequences for the Islamic Republic of Iran. *Afagh-e Amniyat Quarterly, 16*(58). In Persian

Zarei, G., et al. (2022). Saudi-Israeli relations from 2010 to 2020. *National Interests Studies Quarterly*, *7*(30). In Persian

Zohdi Nasab, Y., & Mahmoudi Toulash, S. (2020). Future study of Saudi Arabia, UAE, and Zionist regime's defense cooperation against the Islamic Republic of Iran based on scenario planning. *Defense Futures Studies Quarterly*, *5*(19). In Persian

Vaez, H., et al. (2022). The status of the Palestinian issue in Saudi-Israeli normalization. *International Studies Quarterly*, *19*(1). In Persian

Valizadeh, A., et al. (2020). Theoretical challenges of neorealist theory in international relations. *Political Studies Quarterly, 12*(47), 101-122. In Persian

Karimi, K. (2011). The Arab Spring and Saudi Arabia: Effects and reactions. *Middle East Studies Quarterly, 18*(3), 79-98. In Persian

Kazemi, et al. (2021). Saudi strategic policies in the Red Sea and their impact on Iran's national security. *Afagh-e Amniyat Journal, 14*(53). In Persian

Kiakajouri, K., & Eslami, A. (2022). Coalition-building in Iran's foreign policy: From the Sacred Defense to the Axis of Resistance. *Sacred Defense Studies Quarterly, 8*(2), 137-164. In Persian

Gohari Moghaddam, A., & Hazrati Razliqi, M. A. (2022). Prospects of U.S. strategy in West Asia and its policy implications. *Strategic Public Policy Studies Quarterly, 12*(Special Issue). In Persian

Ghassemi, F. (2007). The concept of security in the new international politics. *Political-Economic Information, 246*. In Persian

Abbasi, M. (2012). *Countermeasures of the Islamic Republic of Iran against U.S. security threats (2001-2010)* (Unpublished master's thesis). Allameh Tabataba'i University. In Persian

Abbasi (Eshlaghi), M., & Hamidfar, H. (2020). The Saudi-Israeli alliance with the U.S. and its consequences for Iran's power balance and influence in the Middle East. *International Studies Quarterly, 17*(3). In Persian

Maleki, M. R., & Mohammadzadeh Ebrahimi, F. (2020). The prospects of Middle East peace amid Israel-Arab normalization. *International Studies Quarterly, 17*(3), 45-64. In Persian

Motahhari, M. (2016). Mohammed bin Salman and the future of intra-Arab cooperation. *Strategic Studies of the Islamic World Journal, 67*. In Persian

Mousavi Shahidi, S. M., & Zarei, B. (2022). Assessing geopolitical disputes in the Persian Gulf region. *Political Studies of the Islamic World Quarterly, 11*(3). In Persian

Mohammadkhani, A. (2009). Explaining the neorealist approach in international relations. *Political Studies, 1*(3), 83-100. In Persian

Moradi, G., & Mansouri, M. (2024). Factors influencing Saudi-Israeli relations based on neorealist theory. *Interdisciplinary Strategic Knowledge Quarterly, 14*(55), 103-125. In Persian

Iran Chamber of Commerce Research Center. (2023). *India-Middle East-Europe Economic Corridor: From idea to implementation*. Tehran: ICCRC. In Persian

Navidi Nia, F., & Moradi Kolardeh, S. (2021). Explaining Saudi-Israeli relations in countering Iran (2011-2020). *Political and International Research Journal, 48*. In Persian

Nemati, A. H., & Haji Yousefi, A. M. (2019). New developments in Saudi-Zionist relations: Reasons and contexts. *Afagh-e Amniyat Quarterly, 12*(44). In Persian

Al-Shahrani, S. b. A. b. R. (2007). *National security institutions in the Kingdom of Saudi Arabia*. King Abdulaziz Foundation. in Arabic

Alsaafin Linah, (2017), what is behind the covert Israeli-Saudi relations?, Aljazeera.

Jackson and Sorensen، G، (2013)، Introduction to international relations: theories and Approaches. Fifh edition. Oxford: Oxford University Press.